

عکاسی

هدف های رفتاری: در پایان این فصل هنرجو باید بتواند:

- عکاسی را تعریف کند.
- سیر تحول عکاسی را به اختصار شرح دهد.
- شاخه های مختلف عکاسی و کاربرد هر یک را توضیح دهد.

عکس چیست؟

عکس ماحصل ترکیب نور (فیزیک) و ماده حساس به نور (شیمی) است. واژه «Photograph» به معنای «نورنگاری» است.



تصویر ۱- خانه بروجردی ها در کاشان

عکاس (دوربین)، براساس قابلیت های یاد شده هر آن چه روبه روی او باشد، ضبط و ثبت می کند؛ حتی گاهی دقیق تر از آن چه به چشم می آید.

دوربین عکاسی به مثابه آینه ای در برابر دنیا، وقایع جاری اعم از اتفاقات روزمره و رخداد های نادر را منعکس ساخت؛ هم چنین وسیله ای شد برای نمایش و انتقال آثار گوناگون هنری که نیازمند به گسترش و تکثیر بودند.

تکثیر آثار نقاشان، طراحان، معماران و مجسمه سازان بزرگ به وسیله دوربین و به گونه عکس یا اسلاید یا چاپ انبوه، فراهم آمد.

به گفته «والتر بنیامین» فیلسوف معاصر آلمانی: عکاسی، از آثار هنری یکه و منحصر و محفوظ در موزه ها تقدس زدایی کرد و آن را به میان عموم مردم کشاند.

عکس دریچه ای است به سوی جهانی در انتظار ثبت شدن و دوربین عکاسی نیز وسیله ای است تا دنیا را به دقیق ترین شکل ممکن بازتاب دهد (تصویر ۱).

الف) جهان : تصاویر دقیق از عالم واقع، قبل از اختراع عکاسی قابل رؤیت بود. نقاشان دورهٔ رنسانس در قرن ۱۶ میلادی نظیر «لئوناردو داوینچی» و «جیووانی باتیستا دلپورتا» به راه کارهای استفادهٔ نقاشانه از وسیله‌ای به نام «اتاق تاریک^۱» اشاره کرده‌اند. این وسیله در اختیار نقاشان هلندی قرن ۱۷ بود که به منظره‌پردازی دقیق روی آورده بودند.

دانشمندان و هنرمندان متعددی در طول دویست سال کوشیدند تا تصاویر حاصل از اتاق تاریک را ضبط و ثبت کنند. نخستین کسی که موفق شد تا یک تصویر را از طریق عکاسی ثابت کند «نیسفور نیپس^۲» فرانسوی بود. تصویری که او در سال ۱۸۲۶ پس از ۸ ساعت نوردهی از بالکن منزل برادرش گرفته هنوز موجود است. روش او را «هلیوگراف^۳» یا خورشیدنگاری می‌نامند که به دلیل وضوح بسیار کم تصویر چندان رایج نشد، اما این موفقیت او را ترغیب کرد تا ادامهٔ تحقیقاتش را با مشارکت فرانسوی دیگری به نام «ژاک لوئی داگر» بی‌گیری کند.

«نیپس» در سال ۱۸۳۳ درگذشت و «داگر» روش جدید ثبت عکس را در سال ۱۸۳۹ به آکادمی اختراعات فرانسه عرضه کرد و بدین ترتیب اختراع «داگرئوتیپ^۴» آغاز رسمی تاریخ عکاسی به‌شمار می‌آید. در اوایل تاریخ عکاسی، به ورقه‌های فلزی «داگرئوتیپ» واژهٔ «تصویر آینه‌ای» اطلاق می‌شد. تصاویر حاصل از این روش به شکل مثبت، روی ورقهٔ فلزی ضبط می‌شد؛ از این رو، امکان تکثیر نداشت و تک نسخه محسوب می‌شد. در این تصویر، بازنمایی جزئیات به صورت بسیار دقیقی وجود داشت؛ هر چند برای ثبت تصویر به نوردهی بلندمدتی نیاز بود. این امر محدودیت‌هایی را برای انتخاب موضوع به همراه می‌آورد. عکاسان آن زمان تنها قادر بودند از موضوعات بی‌تحرک و ساکن عکس برداری کنند و حتی برای گرفتن تصویر چهره (پرتره) از اشخاص، صندلی‌های مخصوصی را طراحی کرده بودند که از پشت سر، گردن و دست‌ها و کمر را محکم در خود می‌گرفت تا شخص تکان نخورد.

در سال ۱۸۴۰ «هنری فوکس تالبوت» انگلیسی با ابداع روش «کالوتیپ» موفق به تولید عکس به طریق نگاتیو / پزیتیو شد. او مادهٔ حساس به نور را روی کاغذ مخصوصی می‌کشید و پس از نوردهی و ظهور به تصویر منفی (نگاتیو) می‌رسید؛ سپس با نوردهی مجدد آن بر روی کاغذی دیگر به عکس نهایی یعنی تصویر مثبت می‌رسید.

این شیوه قابلیت تکثیر بی‌شماری داشت، اما به دلیل وضوح کم تصویر به سبب وجود الیاف در متن کاغذ، چندی بعد جای خود را به نگاتیوهای شیشه‌ای داد. «تالبوت» هم چنین نخستین کتاب مربوط به عکاسی را با نام «قلم طبیعت»، شامل نوشته‌ها و برخی از عکس‌های خود، منتشر کرد.

با کشف شیوهٔ «کلودیون مرطوب» زمان عکسبرداری به ۲ تا ۳ ثانیه رسید. در این شیوه که امولسیون (لایهٔ حساس) روی صفحه‌های شیشه‌ای کشیده می‌شد، عمل ظهور باید بلافاصله پس از عکس برداری انجام می‌گرفت. این نکته باعث محدودیت مکانی برای عکاسان می‌شد.

در سال ۱۸۷۱ «ریچارد مدوکس^۵» با طراحی شیوهٔ «ژلاتین خشک^۶» حاوی هالورن‌های نقره بر روی ورقهٔ شیشه‌ای، امکانات بسیاری را برای عکاسان به ارمغان آورد.

در سال ۱۸۸۴ در آمریکا، کارخانه «کداک» نخستین نگاتیوهای منعطف را طراحی کرد و بدین ترتیب فیلم‌های قرقره‌ای وارد بازار عکاسی شد. با این شیوه دیگر نیازی نبود که پس از هر عمل عکس برداری، فیلم جابه‌جا شود پایهٔ این طراحی تا به امروز هم چنان ثابت باقی مانده است.

۱- Camera Obscura

۲- Joseph Nicephore niepce

۳- Helio Graphy

۴- Daguerre Type

۵- Richard leach maddox (۱۸۱۶-۱۹۰۲)

۶- Dry Plate (collodion)

آرزوی دستیابی به عکاسی رنگی نیز از همان روزهای نخست قرن بیستم، ذهن مخترعان و عکاسان را برانگیخت. حرکت دنباله‌داری که از روش «اتوکروم» ساخته برادران «لومیر» در ۱۹۰۷ آغاز شده بود به نخستین تولیدات انبوه کارخانه «کداک» در دهه ۳۰ میلادی منجر شد. (تصاویر ۲، ۳ و ۴).



تصویر ۲- داگر، ۱۸۳۷، فرانسه



تصویر ۳- نیپس، ۱۸۲۶، فرانسه



تصویر ۴- تالبوت، دهه ۱۸۴۰، انگلستان

ب) ایران: تاریخ دقیق ورود دوربین عکاسی به ایران مشخص نیست، اما زمان چندانی از اختراع عکاسی در فرانسه نگذشته بود که عکاسان خارجی روش «داگرتیپ» را در دوره قاجار به ایران وارد کردند. «ژول ریشارد» (ملقب به میرزارضاخان) نخستین کسی بود که در ایران به روش داگرتیپ عکس چاپ کرد. همگام با سایر تحولات عکاسی در اروپا در ایران نیز فن جدید، ابتدا از جانب عکاسان خارجی که به ایران سفر کرده بودند، سپس از طریق شاگردان ایرانی آنان به کار گرفته می‌شد. این روند آموزش، هم به شکل خصوصی، و هم در شکل مدون نظام تدریسی مدرسه دارالفنون صورت می‌گرفت. «فوکتی»^۲ که مهندس ایتالیایی بود روش «کلودیون تر» را بلافاصله پس از کشف آن در اروپا به تهران آورد. دیگر عکاسان خارجی نیز از تکامل حساسیت امولسیون و در نتیجه، کاهش زمان نوردهی، استفاده نموده و از همه جوانب زندگی ایرانیان در دوره قاجار عکس تهیه کردند. دو تن از این افراد عبارت‌اند از: «ارنست هولتز»^۳ و «آنتوان سوریوگین»^۴. عکاسان ایرانی نیز در این زمان به فراگیری، سپس به عکاسی از محیط پیرامون خویش مشغول شدند که از میان آنها می‌توان به ناصرالدین شاه، میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی و میرزا عبدالله قاجار اشاره کرد.

۱- Jules Richard

۲- Focch Etti

۳- Ernst Holtzer

۴- Antoine Serrugin

از ابتدای قرن حاضر، بخش عمدهٔ عکاسی ایران منحصر به عکس برداری‌های داخل آتلیه می‌شد؛ یعنی هنگامی که اشخاص و خانواده‌ها برای ثبت یادگاری، روبه‌روی پرده‌های نقاشی شده ایستادند و واقع‌گرایی و جست‌وجوی انسان در محیط را به خیال‌پردازی‌های تصنعی داخل استودیو تبدیل کردند (تصاویر ۵، ۶ و ۷).



تصویر ۵ - غلامعلی خان، عکاس ناشناس



تصویر ۶ - تهران، دوره قاجار، عکاس ناشناس



تصویر ۷- عکاس‌خانه فردوسی، شیراز، حدود ۱۳۲۵ شمسی

شاخه‌های عکاسی

عکاسی به دو بخش «عکاسی کاربردی» و «عکاسی هنری» تقسیم می‌شود.

الف) عکاسی کاربردی: عکاسی کاربردی عبارت است از قابلیت‌های عکاسی، برای سندبرداری و نمایش عینی پدیده به منظور استفاده از آن که شامل شاخه‌های متعددی می‌شود؛ از جمله: عکاسی مستند خبری، اجتماعی، صنعتی، تبلیغاتی، مسافرتی، عکاسی چهره، یادگاری و مانند آن.

عکاسی مستند، خبری: عکاسی مستند به شیوه‌های مختلف در طول قرون ۱۹ و ۲۰ درخور توجه بوده است و بسیاری از نام‌آوران عکاسی در این شاخه فعالیت کرده‌اند.

از آغاز، عکس مانند وسیله‌ای برای ثبت و ضبط وقایع به کار گرفته شد؛ یعنی کاری که انسان با نقاشی یا طراحی از عهده‌انجام کامل آن برنیامد. این اصل که «دوربین نمی‌تواند دروغ بگوید» نکته بنیادینی بود که قدرت و کارایی عکس مستند را روز به روز پیش‌تر می‌کرد. موضوع مکرر عکاسی مستند اجتماعی، نمایش مشکلات مردم برای دیگر مردمان بود؛ مشکلاتی از قبیل فقر، فقدان عدالت اجتماعی و سیاسی، جنگ، جنایت و رنج.

روش مرسوم در عکاسی مستند، عکس برداری از موضوع برای نمایش صریح و به دور از تعصب و تحریف تصویری است. در عکاسی مستند، عکس برداری واضح و صادقانه از موضوع‌های مقابل دوربین با بررسی‌های متعدد و متفاوت از دیدگاه‌های گوناگون و گاه نیز، به کار بردن اصول زیبایی‌شناسی «عکس‌های لحظه‌ای» اهمیت بسزایی دارد (تصویر ۸).

عکاسی صنعتی، تبلیغاتی: در این نوع از عکاسی، عکاس بنا به سفارش صاحب محصول از فرآورده‌ها و تولیدات کارگاه‌ها و کارخانه‌ها عکس می‌گیرد. هدف از چنین عکس‌هایی معرفی کالا به مشتریان در بهترین شکل ممکن است.

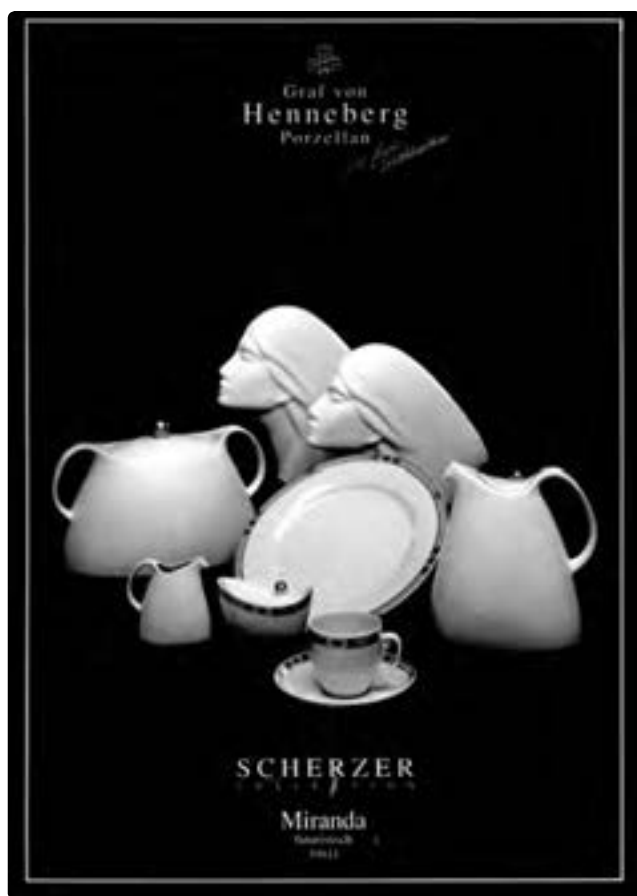


تصویر ۸ - بیل برانت، ۱۹۳۷، انگلستان

تفاوت عمده عکس تبلیغاتی با عکس صنعتی در هدف نهایی آنهاست. در عکس صنعتی سعی بر آن است از محصولات و خط تولید کارخانه‌ها بیش‌ترین حجم اطلاعات از نظر اندازه، کیفیت، جنسیت و مانند آن به بیننده منتقل شود. عکاس تبلیغاتی سعی می‌کند تا با هر چه جذاب‌تر کردن محصول مورد نظر در عکس خود، بیننده و مشتری را به سوی آن فراخواند. در نتیجه، اطلاع‌رسانی مربوط به کالا، در عکس تبلیغاتی، دارای اهمیت کم‌تری است. کاربرد این نوع عکس‌ها را می‌توان در بروشور، کاتالوگ، پوستریل‌بورد (تابلوهای بزرگ شهری)، مجلات، بسته‌بندی کالا و نظایر آن مشاهده کرد (تصویر ۹).

عکاسی چهره (پرتره): کار اصلی عکاس چهره، عکاسی از چهره شخص مورد نظر است. این عکس ممکن است برای مطالعه یا با جنبه هنری، گرفته شود. بیش‌تر اوقات شخص مورد نظر برای هدف خاصی این کار را سفارش می‌دهد. این هدف شامل یادگاری تا استفاده‌های اداری است.

گاه نیز چهره اشخاص در حالت طبیعی و غیررسمی، بدون اطلاع افراد، عکس‌برداری می‌شود که به آن، «عکاسی مخفی» (Candid Photography) می‌گویند (تصویر ۱۰).



تصویر ۹



تصویر ۱۰ - مارگارت کامرون، ۱۸۶۷

عکاسی طبیعت : از آغاز اختراع عکاسی، همواره طبیعت برای هنرمندان منبع الهام و شگفتی بوده است. امروزه افراد بیش‌تری به عکس برداری از طبیعت علاقه نشان می‌دهند. آنها برای فراغت یا آرامش خاطر یا جست‌وجوی شخصی دست به این کار می‌زنند. عکاسی طبیعت از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین موضوع‌های طبیعی را دربر می‌گیرد. عکاسی «نجومی» و «عکاسی میکروسکوپی» نیز شامل عکاسی طبیعت هستند. هم‌چنین می‌توان منظره‌های زیبایی مانند گل‌کاری باغ و فضای باغچه را عکاسی طبیعت در نظر گرفت (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱- فن‌گادوین، ۱۹۸۴، انگلستان

عکاسی معماری : عکس‌هایی را دربر می‌گیرد که از نمای کلی بناها یا بخش‌های درونی و بیرونی آنها گرفته می‌شود. در این رشته، عکس برداری از جزئیات و ریزه‌کاری‌های ساختمان، با درشت‌نمایی زیاد نیز امکان‌پذیر است. هم‌چنین عکس‌هایی از پل‌ها، برج‌ها، طاق‌ها، مجسمه‌ها، و به‌طور کلی، بناهای تاریخی در شمار عکاسی معماری هستند (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲- آلفرد استیگلitz، ۱۹۲۵، آمریکا

عکاسی عمومی: عکاسی عمومی، به آن نوع از عکس‌هایی اطلاق می‌شود که عموم مردم به منظور یادگاری و ثبت خاطرات از خود برجای می‌گذارند. انواع عکس‌های خانوادگی، عکس‌های مجالس، عکاسی در سفر، عکاسی لحظه‌ای و نظایر آن در شمار عکاسی عمومی هستند. باید گفت که این بخش از عکاسی دارای بیش‌ترین حجم مصرف مواد عکاسی و تولید عکس در دنیاست. این شاخه از عکاسی به‌طور همه‌گیر و شایع از اواخر قرن ۱۹ یعنی از زمانی آغاز گردید که دوربین‌های کوچک قابل حمل (Kodak) به بازار عرضه شد. با آمدن این دوربین‌های کوچک و ارزان، عموم مردم قادر شدند تا از زندگی خود عکس بگیرند. آنها برای چنین امری حتی به فراگیری مهارت‌های ظهور و چاپ نیز نیاز نداشتند. شعار تبلیغاتی کارخانه کداک در آن زمان این بود: «شما دکمه دوربین را فشار بدهید، ما بقیه کار را انجام می‌دهیم.»

بدین ترتیب، عکس‌های بی‌شماری طی سال‌ها، در هر خانواده‌ای که دوربینی داشت شکل می‌گرفت. این طیف وسیع از عکاسی از لحاظ هنری فاقد اهمیت است، اما در طول تاریخ عکاسی گاهی به عکاس‌هایی برمی‌خوریم که حوزه فعالیت هنری خود را مبتنی بر این نوع خاص از عکاسی قرار داده و ضمن تکیه بر موضوعات پیش پا افتاده و دم‌دست، باعث اعتبار ارزش‌های نهفته در آن شده‌اند.

در این میان شاخص‌ترین عکاس، زنی هنرمند است، به نام «سالی مان» که در دو دههٔ آخر قرن بیستم از سه کودک خود در سنین کودکی و رشد و بلوغ در محیط خانواده عکاسی کرده است. وی بازتاب روحيات و عملکرد دنيای پيرامونش را در آينهٔ کودکان خود و در بستر خانواده‌اش جست و جو می‌کند (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳- عکاسی عمومی

عکاسی پزشکی، عکاسی تئاتر و سینما، عکاسی ورزشی، عکاسی مسافرتی، عکاسی فضایی، عکاسی از انجام بسیار ریز و ... از دیگر شاخه‌های هنر عکاسی می‌باشد.

ب) عکاسی هنری: در این نوع از عکاسی، عکاس به هیچ‌گونه استفاده و کاربردی از عکس، جز هدف شخصی و هنری خود نمی‌اندیشد. او در این حوزه، عکاسی را وسیله‌ای به منظور گسترش و انتقال زبان تصویر به کار می‌گیرد. هدف نهایی چنین شاخه‌ای از عکاسی، عرضهٔ عکس‌های هنری است در قالب‌هایی چون نمایشگاه، کتاب، سالنامه و نظایر آن به منظور ایجاد ارتباط هنری، بصری و شاعرانه با بیننده.

در عکاسی نیز مانند سایر رشته‌های هنری، نگرشی هنرمندانه وجود دارد. عکاس با دوربین خود همواره سعی داشته تا جهان را تبدیل به نشانه‌هایی کند که به باور او آن نشانه‌ها جزئی از ساخت و سازهای اثر هنری است. او با این نگرش گاه دنیا را به شکلی ناب و تجسمی نمایان می‌سازد و گاه حس درونی خود را در بازتاب تکه‌ای از دنیا، عرضه می‌کند.

عکاسان هنری در قرن ۱۹ سعی داشته‌اند آثار خود را به ارزش‌های تثبیت شده در نقاشی نزدیک کنند. آنان در این راه از هیچ بهرهٔ فنی‌ای چشم‌پوشی نکردند که از آن جمله است: چاپ‌های دست‌ساز، لنزهای محوکننده، کنتراست‌های ملایم، ترکیب‌بندی‌های کلاسیک، موضوعات مشخص در نقاشی‌های آکادمیک و فعالیت‌های دیگر. به این جریان خاص در عکاسی که عمدتاً در اروپا شکل گرفت «پیکتورالیسم» می‌گویند.

بدین ترتیب، هنر عکاسی صاحب هویتی مستقل و چشمگیر شد. گستردگی و حجم فعالیت دنیای عکاسی در این بخش بسیار کم‌تر از سایر رشته‌های آن است، اما به اعتبار مختصر فعالیت عمیق عکاسان این رشته، تاریخ زیبایی‌شناسی عکاسی با چنین پیشرفتی روبه‌رو بوده است (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴- بیل برانت، ۱۹۶۶، انگلستان